

# بافتندگی و بافته‌های ایرانی

از

دوران کهن

بقیه از شماره پیش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بقلم

علی سامی



پروفیسر کاہنشاہ علی محمد صاحب

پرتال جامع علوم انسانی

# بخش دوم

## بقیه بافندگی و بافته های ایرانی از دوران کهن

بابا کروسینکی لهستانی که از ۱۱۱۶ تا ۱۱۴۲ ه. ق در ایران میزیسته است مینویسد که شاه عباس کارگاههای قالی بافی بزرگی در شیروان، قراباغ، گیلان، کاشان و استرآباد همانند کارخانه های قالی بافی اصفهان دابر کرده بود. سرهربرت انگلیسی در باره بار یافتن «سرداد مورکارتون» در اشرف بحضور شاه عباس بزرگ مینویسد: «برزمین آن تالار چنان قالیهای بزرگ و گرانبهای گسترده بودند که فقط درخورشان شهریار ایران بود...»

شاردن ضمن توصیف شهر کاشان مینویسد: «... اساس ثروت و حیات مردم کاشان از صنایع نساجی و ابریشم بافی و تهیه قطعات زربفت و نقره بافت تشکیل شده است. در هیچ یک از شهرهای ایران مصنوعات و منسوجات مخمل و حریر و تافته و ابریشم و قطعات زربفت و سیمبفت وزریهای ساده و گلدار و ابریشمی بیشتر از کاشان و حومه آن تهیه نمیگردد.

تنها در یکی از نقاط حومه شهر هزارکارگر ابریشم باف وجود دارد. این آبادی که «آران» نام دارد، در فاصله دو فرسخی شهر واقع و از دور همچون شهر زیبایی جلوه گر است، و دارای دو هزار باب خانه و باغچه و ششصد باغ زیبا میباشد ۶۹...»

آرامگاه شاه عباس دوم را چنین توصیف میکند: «مخازن و دالان و بارگاه مزار پوشیده از فرشهای نفیس و گرانبها ولی قالیهای خود تالار زربفت و ابریشمی است ۷۰ ظرافت و ابهت این مقبره ها را حد و حصری نمیتوان شناخت و جلال و شکوه آنها در حقیقت بی نظیر است...» ۷۱

۶۹ - سیاحتنامه شاردن جلد سوم صفحه ۸۵ ترجمه آقای محمدعباسی سال ۱۳۳۶ تهران

۷۰ - قالی بزرگ ابریشمی دو قطعه منحصر بفرد مخصوص کف آرامگاه شاه عباس دوم و بیشتر قالیچه های آستانه های دوازده گانه آن هم اکنون در موزه آستانه حضرت معصومه (ع) موجود و محفوظ است و چند قطعه دیگر قالیچه های مزبور و قالیچه ممتاز مخصوص روی صندوق اصلی مقبره در موزه ایران باستان نگاهداری میشود.

۷۱ - صفحه ۷۱ جلد سوم همان کتاب

« . . . خود هزار با پارچه‌های زربفت گرانبهای ایرانی پوشیده شده است . يك ذراع از این منسوجات نفیس هشتصد تا نهصد لیره ارزش دارد . عالیترین زربفت مرقد قطعه ایست از يك پارچه ارغوانی که روپوش مزار بشمار می‌رود با منگوله‌هایی طلائی بر روی مقبره تعبیه شده است . روپوشهای زربفت بانوارهای ابریشمین که از حلقه‌های زرین سنگین متصل بفرشهای زمین میگذرد . . . . » ۷۲

در باره مقبره شاه صفی اول در قم نیز شرح روپوش فرش‌ها را داده و اضافه مینماید که در آنجا يك قطعه روپوش زربفت عالی دیده میشود که گرانبهایترین منسوج عالم بشمار می‌رود. ۷۳

شاردن وضع صناعت و تجارت تبریز را اینطور شرح میدهد: «... سرتاسر شهر پراز صنایع قماش و ابریشم و زرگری است. عالیترین دستارهای ایرانی در تبریز تهیه میشود. بازرگانان بزرگ و عمده شهر برایم تعریف کردند که همیشه سالیانه شش هزار عدل ابریشم در کارگاههای این بلده بافته میشود. تجارت تبریز در سرتاسر ایران و تمام ترکیه، در مسکوی ( روسیه ) در ترکستان، در هندوستان و ممالک ساحلی دریای سیاه گسترده شده است. » ۷۴

در باره خرگاه سلطنتی مینویسد: « بدستور شاهنشاه ایران خرگاهی ساختند که دو میلیون لیره برای تهیه آن خرج شده بود، چون در تار و پود خیمه طلای بسیار بکار رفته بود آنرا کاخ زرین خواندند. برای حمل و نقل این خرگاه دو یست و هشتاد رأس شتر اختصاص یافته بود و از همین نکته میتوان بعظمت و وسعت و اهمیت و ارزش آن پی برد. دهلیز این خرگاه را از مخملی ساخته‌اند که منمنش طلائی است و در گیلوئی آن اشعاری با سطور زری نوشته‌اند. ۷۵

۷۲ - صفحه ۷۲ و ۷۳ همان کتاب

۷۳ - صفحه ۷۴ جلد سوم سیاحتنامه شاردن در ایران ترجمه آقای محمد عباسی سال ۱۳۳۶

۷۴ - صفحه ۴۰۹ جلد دوم همان کتاب

۷۵ - صفحه ۶۴ جلد سوم همان کتاب

کارگاه‌های قالی‌بافی اصفهان را در اینزمان نزدیک کاخ سلطنتی و بین چهل ستون و میدان شاه نوشته‌اند و از نظر نیازی که شاه عباس بمفروش ساختن کاخهایی که برای توسعه پایتخت مرتباً در دست ساختمان بوده داشت و همچنین برای اهداء بسلاطین خارجی و ضمناً فرش خانه‌های اشراف و درباریان و افسران ارشد، کارگاه‌های قالی‌بافی مرتباً در کار و در حال افزایش و گسترش بود.

قالیهای دوره صفوی راز روی نقشه‌های آنها طبقه بندی نموده‌اند و مهمترین نقشه‌ای که در قالیهای این عهد طراحی شده آنهایی است که ترنجی گرد یا بیضوی شکل در وسط دارد و ترنج وسط را نقشها و گل‌های کوچکی که به گل شاه‌عباس نامیده شده، دربر گرفته است و در چهار گوشه قالی در هر طرف یک چهارم از ترنج وسط کشیده شده است. نمونه برجسته و ممتاز این نوع قالی که ملاک سنجش سایر قالیها هم شده. قالی معروف اردبیل در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که تعداد گره‌های آنرا به ۳۲ میلیون گره تخمین زده‌اند.

در این فرشها گاهی هم تصویر حیوانات نقش شده و آنها به قالی نقش حیوان معروف شده‌اند. حیوانات دوبندو یا در حال جنگ طراحی شده و انواع آنها حاوی تصویر شیر، ببر، یوزپلنگ، شغال، آهو، بز کوهی، الاغ، گاو، شتر، گراز، و پرندگان چون سیمرغ است و پاره‌ای از مناظر شکار هم در میان آنها وجود دارد مانند قالی موزه پلیدی یزولی<sup>۷۶</sup> میلان کار غیاث‌الدین جامی بسال ۹۴۹ ه. ق و قالی شکار گاه موزه وین.

رنگ آمیزی قالی‌ها ملایم و از بکار بردن رنگهای بسیار تند و زنده و چشمگیر که معایر با روح ملایم و شاعرانه ایرانی است، پرهیز کرده‌اند لیکن در عین حال ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی رنگهای عمیق و مؤثری

بکار برده است که نه افراط در رنگ آمیزی تند وزننده کرده و نه صفا و جلا، آرامش و ملایمت خاص هنر ایرانی فراموش گردیده است.

از طرحهای جالب این عهد، چندین ترنج متصل بهم میباشد که قالی را بچند قسمت مینماید. از این طرح در موزه ویکتوریا آلبرت و موزه متروپلیتن نیویورک نمونه‌هایی موجود است که خیالی ریز و ظریف بافته شده و بعضی از آنها حتی از قالی موزه ویکتوریا آلبرت ریزتر بافته شده است.

در مجموعه شخصی بارون هتوانی<sup>۷۷</sup> یکپارچه قالی عالی موجود است که عکس آن مانند یک قطعه مینیاتور جلوه مینماید و همانند آن قالی بزرگ دیگری است که نصف آن در موزه صنایع تزئینی پاریس و نصف دیگر در کلیسای بزرگ کراکوی<sup>۷۸</sup> لهستان میباشد.

نیمه قالی موزه هنرهای تزئینی پاریس با اندازه  $4/10 \times 3/5$  متر و دارای حاشیه‌ای ارغوانی و متن نخودی با ترنج برنگ قرمز در وسط میباشد. متن قالی نمودار باغی است با سروهای بلند و درختان میوه‌دار. حیواناتی چون پلنگ و شیر در حال حمله و کمین و سیمرغ و تذرو و روی درختان پرندگان چندی در متن قالی طراحی گردیده است. آسمان فراز این منظره بالکلهای کوچک ابر نمایانده شده است. آبشاری از پای درختی روان میباشد.

در حاشیه اصلی یک درمیان غزال دونده و گل ختائی و درزمینه ارغوانی حاشیه گل و بوته و اسلیمی و آهو و تذرو و چند پرنده دیگر نقاشی گردیده است. نقوش طراحی شده بر روی این قالی فوق‌العاده زیبا و جالب میباشد و تاریخ آنرا از لحاظ شباهتی که بقالی اردبیل دارد بحدود اوائل قرن یازدهم هجری تخمین زده‌اند.

77- Baron Hatvany

78- Cracowie

نوع دیگر که به قالیه‌های باغی معروف است، شامل طرح حوضی در وسط بوده اطراف آن بوسیله جویها بقسمتهای مربع مستطیلی تقسیم گردیده و با نقش گل و گیاه تزئین یافته است. قالی گلدانی شاه عباس عبارت از قالیهائی است که روی آن نقش يك گلدان طراحی گردیده است و از آن گل و شاخ و برگ بیرون آمده است و سرتاسر متن قالی را این گل و برگها فرا گرفته است برخی از صاحب نظران این نوع قالیه‌ها را کار کرمان دانسته‌اند.

قدیمی ترین فرش از این نوع که نسبتاً سالم مانده، مربوط بقرن دهم هجری در موزه متروپولتین می باشد که متعلق به «دوک انهالت»<sup>۷۹</sup> بوده است، اندازه این فرش ۸ × ۴ متر با زمینه زرد طلایی روشن و حاشیه‌ها و ترنج وسط برنگ ارغوانی سیرو نقشهای دیگرش نیلی و سیاه و سفید است و در نواحی شمال غربی ایران بافته شده است. (اوائل قرن دهم هجری).

معروفترین و پرکارترین قالی این دوره قالی معروف به قالی اردبیل کار مقصود کاشانی بتاریخ ۹۴۶ ه. ق (۱۵۳۹ میلادی) سال سیزدهم سلطنت شاه طهماسب صفوی باندازه ۱۱/۳۸ × ۵/۳۴ متر می باشد که برای مرقد بنیان گزار دودمان صفوی شیخ صفی الدین اردبیلی بافته شده است و در موزه و بکتوریا آلبرت نگاهداری میشود. ترنج ۱۶ متر وسط آن نمودار خورشید و بعنوان منبع نیرو و آفریننده بهشت پر گل و گیاه دیده میشود. زمینه آن پرکارواز گل و برگ پر شده و نمودار باغ فردوس است. در میان ترنج آبگیر کوچکی است برنگ آبی مایل بسبزی مانند چمن که روی آن غنچه‌های نیلوفر شناور است. طرح قندیل آویزان در بالا و پائین قالی مینمایاند که آن فرش را برای مکان مقدسی بافته اند. زمینه فرش سورمه‌ای و گلها و غنچه‌ها بارنگهای گوناگون روی آن زمینه بشکل برجسته بنظر می آید. نقش حاشیه این قالی تا حدودی با نقش کاشی کاری دیوار صحن این مسجد یکسان می باشد. قالی اردبیل

از شاهکارهای هنری زمان شاه طهماسب صفوی و از گرانبهاترین و برجستهترین قالبیهای جهان است که چون دارای تاریخ ورقم بافنده است یک سند مهم و بدون تردید تاریخی است. طرح و بافت این قالی معیار و ملاک سنجش سایر قالبیهای ترنجی گردیده است، و چنین حدس زده اند که شاید در تبریز بافته شده باشد. جنس پشم قالی سبب اتخاذ این فرضیه شده است.

کارشناسان فن معتقدند که طرح عالی قالی موزه ویکتوریا آلبرت نتیجه کوششهای گروهی از طراحان و نقاشان و بافندگان است که در آن کارگاه گرد آمده بودند. درباره محل بافت این قالی پاره ای معتقدند که تبریز بود ولی دسته دیگر بر آنند که یادر قزوین که پس از تبریز پایتخت شاه طهماسب بود و یا در محلهای دیگری چون کاشان و یا در خود اردبیل بافته شده باشد زیرا گروههای قالی باگروه معروف بفارسی بافته شده در حالیکه در تبریز قالیها با گره ترکی بافته میشده است. این قالی در ۱۳۱۱ ه. ق. (۱۸۹۳ میلادی) بدست تجارتخانه زیگلر<sup>۸۰</sup> و شرکاء در تبریز میافتد و تجارتخانه دیگری موسوم به «ون سنت رایبسون و شرکاء»<sup>۸۱</sup> از او میخرد و موزه ویکتوریا آلبرت آنرا از آن تجارتخانه خریداری میکند. یک بیت از غزل معروف حافظ در حاشیه آن بافته شده است و همچنین نام بافنده و طراح و تاریخ بافت بشرح زیر:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست      سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست

عمل بنده در گاه مقصود کاشانی فی سنه ۹۴۶

در همان زمان که این قالی از مسجد اردبیل برده شده قالی دیگری نیز آنجا بوده است که آنرا هم برده اند و قسمتی از آن بخصوص حاشیه را برای تعمیر قالی موزه ویکتوریا مصرف کرده اند<sup>۸۲</sup>.

80-Zeigler

81- Vincent Robinson



منظره باغ و گل و شاخه و غنچه و گیاه که در بیشتر قالیه‌های بافت ایران طراحی گردیده و گاهی پرندگان نیز ضمن آنها طراحی شده معرف ذوق و سلیقه نشاط انگیز و لذتی است که ایرانیان از دیدار باغ و گل میبرده‌اند. مقصود بیگ ابتدا یاغی و از اهل کاشان بود. از طرف دربار صفویه محکوم باعدام میگردد، پیش از دستگیر شدن باروبیل میگریزد و در آراگاه شیخ صفی‌الدین بست می‌نشیند و مینویسند که قالی را در همانجا بافته و بیت نامبرده را که معرف حال و وضع او بود بر کنار قالی میبافند. بعدها از اعدام او صرف نظر میشود.

این قالی مبلغ دو هزار و پانصد لیـره در ۱۸۹۳ برای موزه ویکتوریا آلبرت خریداری شده و یک فرش دیگر که بهمراه این قالی برای فروش عرضه گردیده بود بمبلغ پنجاه و سه هزار دلار خریداری و بامریکا فرستاده میشود. ادوارد استینگ<sup>۸۳</sup> قالی‌شناس معروف انگلیسی در ۱۸۹۳ کتاب بزرگی در توصیف همین قالی نوشت و بانقشه‌های رنگین بچاپ رسید.

علاوه بر این فرش تعداد دیگر قالی و روپوش‌های اسب و سرانداز و کناره و مجموعه بزرگی از قلمکارهای اعلاء کار اصفهان که اغلب قاب گرفته شده و از شاهکارهای این هنر ایرانی است در این موزه گردآوری گردیده است و چند پارچه زربفت و ابریشمی هم موجود است که هنگام شرح قالیه‌های ابریشمی و زربفت بدانها اشاره خواهد شد.

قالیچه سجاده موزه هنری متروپلیتن متعلق به مجموعه فلچر مربوط به اواسط قرن دهم هجری چون برای امور مذهبی مورد استفاده قرار میگرفته دارای سه نوار حاشیه است. نوار باریک اولی که دورتا دور سجاده را احاطه کرده است بخط ثلث حاوی آیات قرآنی میباشد سپس در حاشیه پهن دومی آیه الکرسی: «لا اله الا الله هو الحی القیوم لا تاخذ سنه و لا نوم ... تا آخر آیه

۸۳- مجلد سوم گزارشهای باستان‌شناسی صفحه ۱۰۳ چاپ تهران سال ۱۳۳۴ خورشیدی

(هو العلی العظیم) و حاشیه باریک سومی با آیه دیگری تزئین یافته است. نیمی از سجاده با این سه ردیف حاشیه تزئین و نیم دیگر (پائین سجاده) بهمین سه ردیف با گل‌های اسلیمی طراحی شده در حاشیه وسط که پهن تر است، دو سلسله خط‌های مارپیچی است که یک خط آن درشت تر و بگل‌های زیبا و کوچک اسلیمی منجر میشود، و خط دیگری ریزتر، و کوچکتر و درون خط اولی قرار گرفته است. این دو خط در جهات و نسبت‌های مختلف گردش داده شده و باز در برگ نخل‌های بسیار خوش طرح بهم می‌پیوندد.

در متن خالی بالای سجاده گنبدی نمایانیده شده و بر بالای آن که جای مهر و گذاردن پیشانی و سجده گاه است کلمه «الله اکبر» و یک حاشیه باریکی گنبد را احاطه کرده که آن نیز با آیات قرآنی طراحی شده و در مثلثی‌های بالای کتیبه صفات خداوندی مانند: «القیوم»، «الباقی»، «القوی المتین»، «الحق الوکیل»، .... هر کدام در یک رنگ نوشته شده است.

درون گنبد متن هم گل‌ها با خط‌های اسلیمی مانند درهم که بارنگهای تند و سیر متمایز گردیده، نقاشی و تزئین شده است، رنگ‌های بکار رفته در این سجاده نسبتاً سیر و پررنگ میباشد، رنگ آمیزی این فرش شبیه نقاشیهای تبریز است و بعضی آنرا از آمل مازندران و عده‌ای هم کاره‌رات حدس زده‌اند. از قالیهای کاره‌رات در موزه آستان قدس رضوی موجود میباشد. دره‌رات قالیهای که بافته شده همان طرح‌های زمان صفویه است با تغییرات مختصری، اولشاریوس که در زمان شاه عباس بایران آمده است مینویسد که دره‌رات بهترین قالیهای طرح ایرانی بافته میشود. قالیهای کاره‌رات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته است.

هنر قالی بافی در زمان صفویه از ایران به هندوستان سرایت کرد و نصیرالدین محمد همایون پادشاه هند که در ۹۵۱ ه. ق بدربار شاه طهماسب صفوی پناهنده گردید در برگ گشت از ایران، چندتن از استادان طراح و قالی‌باف را از اردبیل

و جوشقان و کاشان و خراسان بهندوستان برد و مکتبی بنام قالی بافی ایران و هند ترتیب داد و از جمله قالیهای این زمان یازده قطعه قالی نفیس است که اینک ضمن نفائس آستان قدس رضوی میباشد. این فرشها در لاهور توسط استادکاران ایرانی بافته شده، کرک آن‌ها بسیار ظریف و تار و پود از ابریشم است و از لحاظ رنگ آمیزی و ظرافت در جهان بی‌مانند میباشد و بموجب حسابی که کرده‌اند در هر دسیمتر مربع بیش از پانزده هزار گره در آن زده‌اند. ۸۴ دیگر از قالیهای نفیس ایرانی در خارج از کشور، مجموعه‌های گرانبهای موزه وین است. سپس موزه برلین و موزه لوور پاریس، قالی‌شکار موزه پولدی پوزولی میلان بافت غیاث‌الدین جامی با اندازه  $۶۰/۶۰ \times ۳۳/۹۰$  مترو تاریخ سال ۹۲۹ ه. ق دارد که در میان ترنج وسط آن بیت زیر خوانده میشود:

«شد از سعی غیاث‌الدین جامی بدین خوبی تمام، این کارنامی»

این قالی قدیمترین فرش تاریخ دار ایرانی در موزه‌های اروپائی است، رنگ متن آن آبی سیر و زمینه ترنج وسط و چهارلچکی گوشه متن و حاشیه پهن دور قالی برنگ سرخ و حاشیه‌های باریک برنگ زرد میباشد. ترنج وسط باشاخه‌های نازک در هم برنگ سبز با برگ و شکوفه و گل برنگهای گوناگون طراحی گردیده و در وسط این ترنج بیت بالا نوشته شده. حاشیه قالی با طرح اسلیمی‌های پهن دو گانه یکی برنگ لاجوردی و دیگری آبی باز تزئین گردیده است.

در متن قالی شاخه‌های گل و درخت باشکوفه و چابک سواران با تیر و نیزه و شمشیر، در حال شکار انواع حیوانات، مانند شیر، خرس، گرگ، آهو، گوزن، گورخر، خوک، گراز، خرگوش و روباه که هر یک بسویی

دوان و گریزانند نقش گردیده و انواع پرندگان نیز ضمن آنها طراحی شده است.

در بین مجموعه قالی این موزه دو قالی ایرانی از هدیه نفیس تر است: یکی همین فرش و دیگر قالی کار تبریز مصور بانداره ۵/۵ × ۲/۴۰ متر که در حاشیه آن اشعاری در مدح فرش بدین شرح نوشته شده است:

ای خوش آن فرش که در بزم مراد	سایه هوش در قدم شاه افتاد
روی بنهاده بره چون خورشید	کرد فرش ره او موی سپید
این نه فرش است گل نسرین است	پرده دیده حور العین است
بوستانی است پراز لاله و گل	زان سبب کرده در او جا بلبل
نقش زنجیره او کرده عیان	جدول آب بهر گوشه روان
ره بنه سرچشمه حیوان دارد	نقش هر جانورش جان دارد
به زرخسار بتیان چسگل است	صحن گلزار ز رویش خجل است
پیش گناهش گلستان خوار است	سبزه اش خط رخ دلدار است
برگ اسلیمی او در دیده	زلف حوری است بهم پیچیده
هست هر برگ خطائی بنظر	سر بسر لاله سیراب دگر
لاله زاری است و لیکن نه چنان	که در او راه برد باد خزان
تارش از رشته جان تافته اند	بهر دارای جهان بافته اند
ای همائی بدعا دست بر آر	که بدین ختم شود آخر کار
یارب این نو گل خالی زخلل	که برون آمده از باغ امل
فرش کن در ره دارای جهان	غنچه باغچه امن و امان

درازای این فرش ۵/۵۰ متر و پهنایش ۲/۴۰ متر است. ترنج وسط گرد با گلهای ختائی ریزو درشت و شاخ و برگ و پرنده طراحی شده است. بیرون از ترنج، دوشیر رو بروی هم ایستاده و کمی دورتر از این دو نقش دو فرشته در برابر هم نشستند. متن قالی نیز با گل و برگ و درخت بزرگ که در پای آنها دو ازدها و دو درخت دیگر باد و ببرگران و دو میمون ترسان که بشاخه‌های درخت پریده و پناه برده‌اند و در کنار ترنج شیری که شکار خود را می‌درد، نقش گردیده است درون خط‌های اسلیمی‌های پهن حاشیه گل و برگ و منظره حمله شیر بر بز کوهی و خرگوش طراحی شده است تاریخ بافت این فرش را نیز بزمان شاه طهماست صفوی حدس زده‌اند.

از قالیهای معروف دیگر: قالی مشجر و مصور به نقشهای گل و گیاه و تصاویر حیوانی متعلق بمجموعه ویلیام درموزه پنسیلوانیا، قالی کراکوی<sup>۸۵</sup> در پاریس، قالی چهار فصل ژانسن دو آندریا<sup>۸۶</sup> که بگل و گیاه چهار فصل منقوش است. قالی متعلق بمجموعه برادران دووینی<sup>۸۷</sup> مربوط بمقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی باندازه ۲/۲۸ × ۵/۳۴ متر. روی این قالی هم عبارت: «عمل بنده در گاه مقصود کاشانی ۹۴۶ ه. ق» نوشته شده است.

در سال ۱۶۰۱ میلادی برابر ۱۰۱۰ ه. ق زیگموند وازا<sup>۸۸</sup> پادشاه لهستان یک تاجر ارمنی بنام مراتو و نیز<sup>۸۹</sup> (صفر مرداو بیج) را بایران فرستاد تا چند تخته قالی و یک خرگاه و یک شمشیر پولاد، جهت کاخهای شاهی لهستان خریداری کند. او از راه دریای سیاه به طرابوزان و از آنجا از راه ارضی روم و قارص به تبریز و قزوین و سپس بکاشان رفت و در آن شهر قالیهای مورد نیاز را بامقصداری پارچه قلابدوزی شده دستورداد و سفارش کرد که علائم سلطنتی لهستان را ضمن

85 - Cracowie

86 - Jensen de Anderia

87 - Duveen Brother

88 - Scgmond Vasa

89 - Meratovitze

نقشه‌های قالی‌بگنجانند. چهار تخته از این قالیها که نقش عقاب سلطنتی لهستان را دارد در موزه رزیدینس<sup>۹۰</sup> شهر مونیخ است. علت وجود این قالیهای ایرانی متعلق به لهستان در موزه مونیخ از این جهت است که زیگموند در ۱۶۴۲ میلادی دخترش را بفرمانروای یکی از استانهای آلمان داد و چند تخته از فرشهای بافت ایران را ضمن نفیستترین اسباب و جهیزیه او به آلمان فرستاد که اکنون در آن موزه نگهداری میشود.

از فرشهای ممتاز ایرانی دیگر در موزه‌های جهان یکی هم فرش گلدانی مربوط به حدود سال ۱۶۰۰ میلادی است که ضمن نقائس هنری موزه وین میباشد. دیگری فرش ترنجی با منظره باغ و بوستان و حیوانات مربوط به قرن دهم هجری کار تبریز است که اینک در موزه شهر لوس آنجلس امریکا نگهداری میشود و قبلا جزء مجموعه مک کری<sup>۹۱</sup> در نیویورک بوده است. فرش دیگری نظیر همین قالی در موزه برلین موجود است که قسمت مهم آن در اثنای جنگ دوم جهانی آسیب دیده و ضایع شده است<sup>۹۲</sup>.

یک قالیچه زیبای کرمانی هم مربوط به یکی از ارمیهای ایران بنام توم-کولبیجان بامریکا برده شد و زیر ناقوس بزرگ آزادی فرش گردید و بنام قالی آزادی شهرت یافت و هفت رئیس جمهور کشورها روی آن ایستادند و نشستند، از مزایای دیگر آن قالی این بوده است که نمایندگان صلح و رسای بر روی این قالی ایستادند و پیمان صلح و رسای را امضاء کردند و سپس بامریکا برده شد و ویلسن رئیس جمهور پیشین امریکا نیز بر روی این قالی ایستاد و از روی مجسمه سرباز گمنام برده برداشت. صاحب این قالی در آخر عمر با کمال عسرت زندگی میکرد و بروزنامه فروشی افتاده بود ولی این فرش نفیس را نفروخت و پس از مرگ فروخته شد<sup>۹۳</sup>.

۹۰-Residenz

۹۱-Mac Cry. Colection

۹۲- کتاب هنر اسلامی تألیف کوهنل صفحه ۲۸۵

۹۳- مجله اطلاعات ماهانه صفحه ۱۲ شماره آذرماه ۱۳۳۴

قالی نفیسی هم که در سال ۱۸۸۱ میلادی ناصرالدینشاه قاجار بمناسبت تاجگذاری ملکه ویکتوریا برای او هدیه فرستاد در موزه لندن نگاهداری میشود.

### پارچه‌ها و قالیمهای ابریشمی

بافتن پارچه‌های ابریشمی یکی از شعبه‌های مهم پارچه بافی و از دیگر صنایع ظریفه بافندگی ایران میباشد. ذوق و مهارتی که مخصوصاً در طراحی و رنگ آمیزی و ظرافت این صنعت بکاررفته و آنرا بصورت يك مینیاتور عالی جلوه گر ساخته، مورد اعجاب و تحسین است. کارگاههای پارچه بافی یزد و کرمان و کاشان از قدیم معروف بوده و پارچه‌های ابریشمی ممتازی در آنها میبافته‌اند.

در قرن سوم هجری خراسان، گرگان، طبرستان، آذربایجان، فارس، گیلان، کردستان محل بافتن پارچه‌های ابریشمی بود و مقدسی جغرافی دان و مؤرخ بعد از اسلام از شهرهای شوشتر و یزد و فسا نام میبرد که در آن نواحی منسوجات ابریشمی عالی بافته میشد بویژه در فسا که پارچه بافت آنجا را مرغوب‌تر و ممتازتر دانسته است. او مینویسد: «شهرهای شوشتر و یزد و فسا در بافتن منسوجات ابریشمی مشهور میباشد. مخصوصاً فسا در تهیه مصنوعات مختلف بر تمام شهرها برتری دارد، در این شهر انواع پارچه‌های تافته و زری را میبافتند که باطلا و نقره زینت یافته و نظیر آنها در هیچ جای دنیا دیده نمیشود. منسوجات پشمی و ابریشمی فسا در همه جا طالب دارد و اشخاص ثروتمند و با سلیقه در خرید آنها باهم رقابت میکنند و از آنها لباسهای فاخر برای خود میسازند». ۹۴ از بافت پارچه‌های ابریشمی در قرن هفتم هجری در شهر تبریز از قول مار کوپولو جهانگرد و نیز شرحی قبلاً ضمن بحث مربوط به هنر بافندگی در دوره ایلخانان نقل شده که در اینجا از ذکر مجدد آن خودداری میشود و فقط این نکته را تذکر میدهد که بافتن پارچه‌های ابریشمی در دوره ایلخانان

هم از رواج نیفتاد بلکه رو به توسعه بیشتری رفت. ابریشم ایران در آن دوره خود یک محصول صادراتی و درآمد گرانبهایی بوده است و قسمتی از مالیات شهرهایی که ابریشم داشته از همین متاع بوده است و الجایتو پس از فتح گیلان امراء آنجا را به پرداخت سالانه مقداری ابریشم بجای مالیات و ادار ساخت. عهد صفویه همانطور که در فن قالی بافی و بافت سایر منسوجات عصر طلائع بود در این هنر نیز حداکثر پیشرفت را کرد شاه عباس بزرگ در نتیجه علاقه و عشق مفردی که به هنر قالی بافی و تهیه فرشهای عالی و ممتاز داشت مکتب بخصوصی در این باره ایجاد کرده بود از جمله نتایج آن بافت قالی با گلابتون زرین و پشمین و ابریشمی بود.

ابریشم در زمان صفویه هم یکی از کالاهای عمده تجار تی ایران بوده است که از گیلان و مازندران و گرجستان و خراسان و کرمان بدست میآمد - ساردن مینویسد: «ایران سالیانه بیست و دو هزار عدل محصول ابریشم دارد و هر عدلی بوزن دو بیست و هفتاد و شش لیور<sup>۹۵</sup> (هر لیور معادل نیم کیلوست)، گیلان ده هزار، مازندران دو هزار، ماد (آذربایجان) و باختریان (خراسان) هر یکی سه هزار، آن قسمت از کرمان که قرا باغ نام دارد و گرجستان هر یکی دو هزار عدل محصول میدهد...»

«صادرات ابریشم ایران بسیار مشهور بود و نیازی بشرح و تفصیل ندارد. هلندیان از طریق دریای هندوستان از این ابریشم پنج تا شصت هزار لیور به اروپا حمل میکنند و همه اروپائیان که در امپراطوری عثمانی تجارت دارند، هیچگونه کالای نفیس تر از ابریشم ایران که از ارمنیان خریداری میکنند، از این کشور همراه نمیاورند. مسکویها (روسیه) نیز از این محصول بکشور خود وارد میکنند.»

پشم شتر از ایران صادر میشود که ایرانیان آن را تف تیک<sup>۹۶</sup> و مااروپائیان



کرك ۹۷ میخوانیم و در اروپا برای ساختن کلاه‌های لبه‌دار از آن استفاده مینمایند. بهترین کرك شتر از کرمان و قزوین، شهر معروف پارت می‌آید. ۹۸

قالیهای ابریشمی در این عصر بدو در کاشان و سپس در یزد و اصفهان رواج و رونق بیشتری بخود گرفت و در نیمه آخر قرن دهم هجری چندقالی و قالیچه ابریشمی نفیس از کارگاههای کاشان بیرون آمد که از لحاظ طرح و ظرافت و زیبایی بسیار ممتاز بود و مانند مخمل میدرخشید.

کاشان در آن زمان مرکز مهم صنعت پارچه‌های ابریشمی و مخملی بود. از نمونه‌های برجسته این نوع فرش‌قالی شکارموزه وین و قالی پرنس براینکی در ورشو و قالی شکار پادشاه سوئد است. قالیچه ابریشمی کاشانی مجموعه مور در دانشگاه پیل  $۱/۶۰ \times ۰/۷۸$  متر اندازه دارد و متعلق با اواخر قرن دهم هجری میباشد.

نقش‌قالی شکار گاه در موزه وین عبارتست از یک ترنج در وسط و روی زمینه مناظر گوناگون شکار باشکار چیان پیاده و سواره، زمینه‌قالی لاک‌کی نزدیک به پرتقالی و ترنج و لچکیهای چهار گوشه سبز رنگ میباشد. حاشیه‌قالی با تصاویر فرشتگان تزئین و طراحی گردیده است.

این فرش در شمار بزرگترین و سرآمدترین قالیهای جهان و اندازه آن  $۶/۸۰ \times ۳/۲۰$  متر است که تار و پود آن از ابریشم است و در هر اینچ مربع آن ۲۷ گره از یک طرف و ۲۹ گره از طرف دیگر دارد و قسمتی از تصاویر آن میلیله نقره یا نقره نماست.

شکار چیان نمایانده شده در طرح‌قالی سوارها به نيزه و شمشیر و کمان مسلح هستند و بگروهی از حیوانات مانند شیرویلنک و گرگ و خرس و آهو و گورخر و شغال و خرگوش حمله میکنند. ترنج هشت گوش و سبز رنگ وسط

باتصاویر ازدها و مرغ آتشخور تزئین گردیده رنگ زمینه حاشیه قالی لاکمی سیرویک ردیف انسانهای بالدار بشکل ملائکه در آن طراحی شده است که بیکدیگر میوه تعارف مینمایند.

نقشه و طرح این قالی را با احتمال قوی کار سلطان محمد نقاش معروف دربار شاه طهماسب صفوی و بافت آنرا در کاشان حدس زده اند<sup>۹۹</sup> در اینصورت تاریخ بافت آن با واسط قرن دهم هجری (۱۶ میلادی) و پیش از سال ۹۶۳ ه. ق. (۱۰۰۰ میلادی) که هنرمند نامبرده مرده است، میرسد.

پادشاهان اتریش هنگام تاجگذاری روی این قالی زانورده، دعای میخواندند و از این شاهکار هنری مشرق زمین برکت میطلبیدند و هنگامی که ناصرالدینشاه قاجار و مظفرالدینشاه بوین رفته بودند برای تشریفات آنها این قالی را زیر پای آنها گسترده بودند.

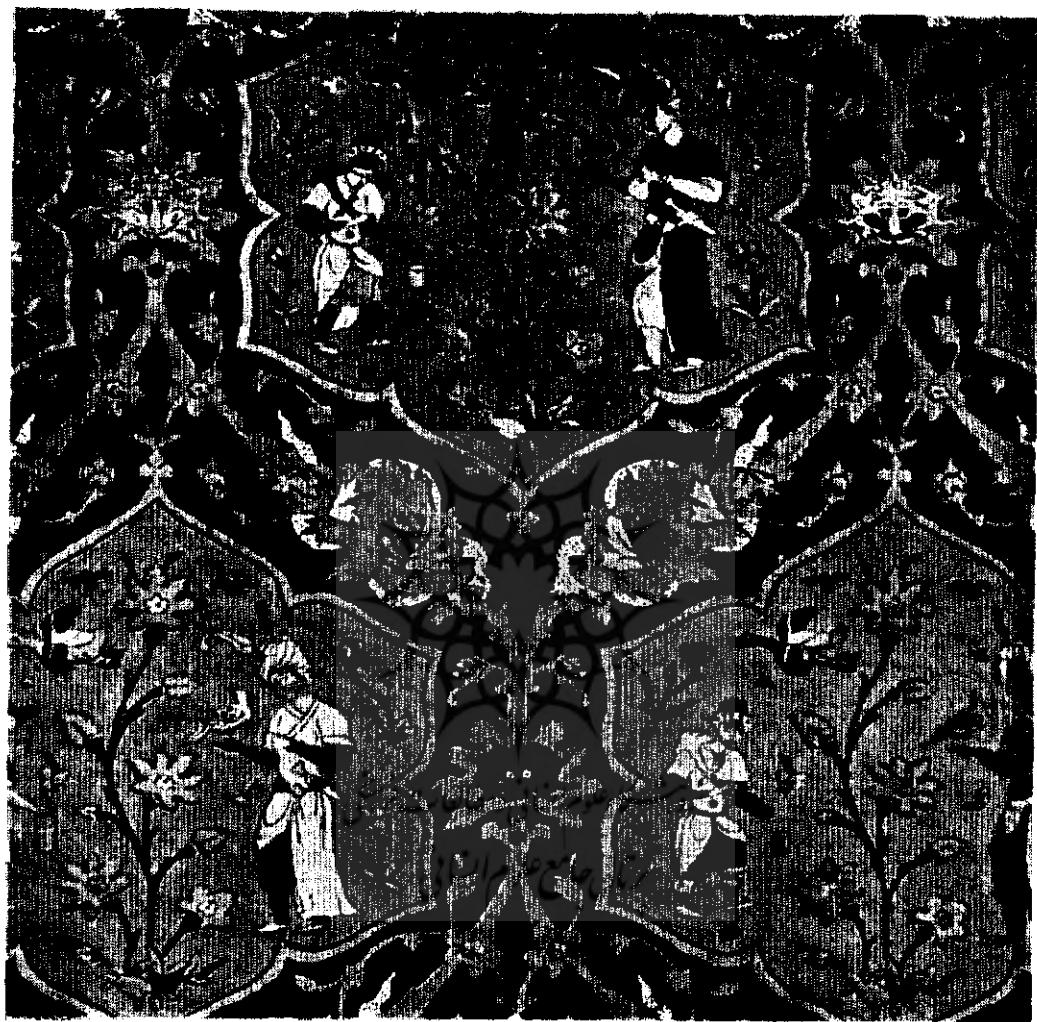
فرش ابریشمی موسوم به فرش لهستانی «باتارهای سیمین که شاید ساخت کارگاههای اصفهان بود در سال ۱۶۰۰ میلادی بافته شده و شاه عباس بزرگ بیکی از پادشاهان اروپائی هدیه کرده است. این فرش در موزه گسترهان نورنگاهداری میشد ولی در زمان جنگ دوم جهانی آسیب فراوانی دید و از بین رفت<sup>۱۰۰</sup>

در موزه ایران باستان قسالی ابریشمی سفید رنگ بسیار نفیس با اندازه  $۲/۲۷ \times ۱/۶۲$  متر که ترنج میان آن سیاه رنگ میباشد وجود دارد. روی زمینه روشن این قالی درختان انار برنگ سیاه و سفید طراحی شده با آهویی به رنگ قهوه ای روشن و در میان شاخ درختان پرندگان مختلف نقش شده است. تاریخ بافت این قالی را با واسط قرن دهم هجری اواخر قرن شانزده (میلادی) حدس زده اند.

۹۹ - مقاله ا. س. ادواردز Edwards کارشناس جهانی قالی مشرق زمین

(متوفی ۱۹۵۱) در کتاب میراث ایران صفحه ۳۷۸

۱۰۰ - کتاب هنر اسلامی تألیف پرفسور کوهنل ترجمه آقای مهندس طاهری صفحه ۱۸۵



مخمل گوهر نشان با بافت زری متعلق به قرن شانزدهم میلادی بطول ۲۴ سانتیمتر دولا . این اثر برجسته هنری اکنون درموزه خصوصی آقای مایسی قرار دارد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در متن سفیدقالی ترنج‌هشت گوش کنگره‌داری برنگ سیاه طراحی شده و بر که‌ای راهینمایاند که مرغابیان کوچک و بزرگ در میان شاخ و برگ گلهاشناورند. چهاردرخت باساقه‌های سیاه‌باریک از دو کنار بر که در جهت بالا و پائین سر بر آورده‌اند و بر آنها پرندگان نشسته یا در پروازند. پای درختان آهوان سرگرم چرا هستند.

دیگر از قالیه‌های ابریشمی نفیس موزه ایران باستان قالیچه‌های مخصوص آرامگاه شاه عباس دوم در قم میباشد و همانطور که ضمن اشاره به آرامگاه نامبرده قبلاً مذکور افتاد یکی از آنها که ویژه روی قبر بود زربفت است. متن این قالیچه‌ها فیروزه‌ای مایل بسبز بوده و حاشیه باریکی دارد. نقشهای متن قالی‌را درختان سرو و بوته‌های گل سرخی پر کرده است. بر روی یکی از آنها رقمی دارد بدین شرح: «عمل استاد نعمت اله جوشقانی سنه ۱۰۸۲ هـ ق.»

قالی معروف به چلسی ۱۰۱ متعلق به موزه ویکتوریا آلبرت یکی دیگر از قالیه‌های معروف و عالی دوران صفوی (شاه طهماسب) میباشد و چون در محله چلسی لندن از یک بازرگان خریداری شده بنام همان محله نامیده شده است این قالی از ممتازترین قالیه‌های جهان و اهمیت آن در ردیف قالی اردبیل همان موزه است. در هر اینج مربع ۲۱×۲۲ گره دارد.

قالی ابریشمین ظریف دیگر این موزه باندازه ۵/۴۹×۳ متر است و در بالا و پائین دو ترنج لاجوردی برنگ به شکل ستاره هشت پر دارد با چهار کلاله دو گلدان چینی پایه‌دار روی دو سر شیر از طراحیهای دیگر جالب متن قالی است بین گلدانها حوضی که ماهیهائی در آن شناورند کشیده شده و بقیه نقشها مشتمل بر گل و بوته و درختهای شکوفه با پرندگان و درخت انار و آهوانی که در سایه آنها آرمیده‌اند و شیرانی که بر گاو میش بسته

و آنرا میدرد، میباشند متن قالی رنگ ارغوانی سیر است بافتش را باوائل قرن دهم هجری حدس زده اند .

قالی معروف دیگر ابریشمی قالی موزه هنری وین است که در هر اینچ مربع  $۱۷ \times ۱۹$  گره زده اند . نقش متن قالی همه گل و بوته و حیوانات است که باحاشیه گل‌های اسلیمی بسیار زیبا مزین گردیده است. زمینه قالی سرخ سیروزمینه حاشیه سبز و کنار داخلی حاشیه دارای مستطیلهائی برنگ زرد است. تاریخ بافت آنرا حدود قرن دهم هجری گفته اند .

در موزه پولدی پزولی میلان. قالی ابریشمی مربوط باواسط قرن دهم هجری ( شانزدهم میلادی ) وجود دارد که شبیه به قالی ابریشمی چلسی موزه ویکتوریا آلبرت است . تعداد گره‌هایش در هر اینچ مربع  $۱۸ \times ۲۰$  گره میباشد و بر فراز اسکالش باملیله سیم وزرملیله دوزی شده است.

قالی ابریشمی موزه متروپلیتن نیویورک هم از لحاظ ظرافت بافت ، در زمره ظریفترین قالیهای ابریشمی دوران صفوی است و در هر اینچ مربع  $۲۳ \times ۲۴$  گره زده اند . ترنج میان قالی گرد و برنگ سبز است و نقش بدیع صلیبی شکل دارد .

اندازه فرش  $۱/۸۶ \times ۴/۲۷$  متر و در ترنج سبز وسط ، این رباعی باخط سیاه مرقوم رفته است .

ای درد لاله داغ از دست غمت      وی نرگس و گل فرش حریم حرمت  
از حسرت پابوس توای سروروان      افتساده گل و سبزه بزیر قدمت

در حاشیه هم اشعاری بانخ سیم تاب دارد در متن قالی دو قاب کشیده شده است که در درون هر کدام يك جفت طاووس روبروی هم ایستاده اند بقیه متن با گل و برگ و جانوران درنده چند آهو و خرگوش تزئین شده است . بافت فرش را به نیمه قرن دهم هجری و در تبریز تشخیص داده اند .

دوقالیچه خانم رینی راجرز ۱۰۲ هم از فرشهای ابریشمی و زرباف و از نفائس این نوع فرشهای ایرانی است.

در زمان شاه عباس بزرگ گیلان و مازندران بزرگترین مرکز ابریشم خام در جهان بوده است و بهمین مناسبت در ۱۶۳۳ میلادی فردریک پادشاه نروژ و دوک شسویک هلستاین ۱۰۳ با احداث شهر فردریک شتاد ۱۰۴ در هشتابن خواست آنجا را بزرگترین مرکز داد و ستد حریر دنیا قرار دهد. فرستادگانی بدربار پادشاه ایران فرستاد تا پیمانی منعقد سازد و ابریشم ایران را از راه مسکوبدان شهر برساند. ادام اولناریوس ۱۰۵ سیاح معروف آلمانی بین همین عده و منشی هیئت بود که در سال ۱۰۴۶ هـ. ق (۱۶۳۷- میلادی) بخدمت شاه صفی رسید و پس از مراجعت نتیجه مشاهدات و مسافرت خود را بصورت سفرنامه‌ای منتشر ساخت که یکی از مدارک ارزندهٔ اوضاع اجتماعی ایران در آن عهد میباشد.

این موقعیت برای نواحی و شهرهای کرانه دریای خزر تا دو قرن بعد هم برجا بود و ویلیام ریچارد هولمز ۱۰۶ جهانگرد انگلیسی که در ۱۲۵۹ هـ. ق (۱۸۴۴ میلادی) از آنجا عبور کرده متذکر شده است که محصول مرغوب گیلان سالانه در حدود یکصد هزار من شاهی بود و در آنسال انگلستان بزرگترین مرکز صادراتی حریر ایران بوده است. هولمز میزان صادرات آنسال را بانگلستان ۴۷۵۶۸ من شاهی ضبط کرده است. درحالیکه میزان

#### 102- Rainey Rogers

۱۰۳ - Schlswick - Holstein باریکه زمینی که در شمال خاک آلمان قرار گرفته و در دریای شمال پیشرفته است.

#### 104- Fredriks Taad

#### 105- Adam Olearius

#### 106- William Richard

صادرات ابریشم همان سال بروسیه فقط ۹۹۴۹ من شاهی و بیغداد ۷۷۵۰ من بوده است ۱۰۷

### زری کاری و پارچه و قالیمهای زربفت

یکی دیگر از انواع عالی بافتنیهای ایران که آن نیز نخستین بار از کارگاههای کاشان خارج گردیده، قالیهائی است که در آنها رشته‌های زربین و تارهای سیمین بکار رفته است. رشته طلائی عبارت از تار پهن و نازکی است از نقره مطلقا که بدو رشته ابریشم پیچیده شده و به پود قالی گره زده اند.

نمونه پارچه‌های زربفت گرانها در موزه‌ها و کلیساهای قدیمی اروپا موجود است که از بقایای پارچه‌هایی است که در قرون وسطی سیاحان از ایران تهیه و به ثروتمندان فروخته میشد و آنان نیز با خود آنها را نگاهداری کرده و یابه کلیساهادیه کرده اند تا برای پوشش صندوقهای محتوی یادگارهای مقدس بکار رود. اکنون قطعاتی از این نوع پارچه‌ها در کلیساهای مانس ۱۰۸ و سانس ۱۰۹ و شینون ۱۱۰ و بایون ۱۱۱ موجود است و آلمانیها پارچه کفن شارلمانی امپراطور بزرگ اروپا را در اوائل قرن نهم میلادی در آکس-لاشاپل ۱۱۲ نگاه داشته‌اند و در کلیساهای سن اورهول و سن کونیبر نیز نمونه‌هایی از این نوع پارچه‌های قیمتی متعلق بقرن ششم و هشتم موجود است.

تئوفیل کشیش معروف قرن ۱۲ میلادی درباره تهیه تارهای زروسیمی که در پارچه‌های زربفت بکار رفته است نوشته است: « طلا و نقره را با زحمت

۱۰۷- کتاب جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان تألیف

آقای ابوالقاسم طاهری نشریه سال ۱۳۴۷ شردای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران

108- Mens      109- Sens

110- Chinon    111- Bayonne

112- Aix la Chapelle



بسیار آنقدر میکوبند تا بر گهای نازکی بدست آید و بتوان آنها را بدورنخ پیچیده و برای تزئین پارچه‌های زری بکاربرد. ۱۱۳

این نوع فرشها در بدو امر که از کار گاهها بیرون می‌آمد بسیار زیبا و ظریف و ممتاز بود و جذابیت خاصی داشت که مهارت و سلیقه بافندگان و طراحان آنها را میرساند ولی با گذشت زمان کراک آنها از بین رفته و رنگها پریده و رنگ نقره سیاه شده و آب طلای روی آن پاک گردیده است. این نوع قالی گاهی بعنوان پیشکشی برای پادشاهان اروپا فرستاده میشده است.

عده‌ای از آنها در لهستان پیدا شده و بنام فرشهای لهستانی<sup>۱۱۴</sup> مشهور گردیده است یکی از نمونه‌های عالی آن که ۲/۱۸ × ۱/۵۲ متر اندازه دارد و مربوط باواسط قرن یازدهم هجری است متعلق به فریج و شرکاء میباشد. در حاشیه و متن این قالی ابریشمی زری نقش پرندگان و حیوانات و گلوبوته طراحی گردید و قالی دیگری با گل و بوته اسلیمی است. قطعه دیگری که نقش درخت سرو و گلوبوته دارد متعلق بمقبره شاه عباس دوم در قم بود و زیر آن نام بافنده اش « نعمت‌اله جوشقانی » نوشته شده بتاریخ ۱۰۸۲ ه. ق (۱۶۷۱ میلادی). چند گالیم دیگر که نخهای زر و سیم در آن بکار رفته اسم مربوط بهمین زمان میباشد.

زریهای کار یزد در قرن سیزدهم میلادی و همچنین زریهای بافت نیشابور و مرو و شیراز و اصفهان و شوشتر معروف و بکشورهای باختری و خاوری صادر میشده است. مار کوپولو که اغلب از کشورهای آسیائی را دیده و از بافت پارچه‌های زری و ابریشمی ساخت ایران توصیف کرده است مینویسد: « در ایران عده زیادی از دسترنج خود گذران میکنند. بسیاری از صنعتکاران و نساجان مصنوعات خوب و پارچه‌های زری نفیسی بانقشهای خوش طرح می‌بافتند و تجار ایرانی آنها را بکشورهای دیگر می‌فروشند. »

تهیه پارچه و قالی در زمان پادشاهی ایلخانان از پیشرفت سابق خود باز نایستاد و رواج خود را ازدست نداد بلکه برتوسعه آن نیز افزوده شد زیرا همه ساله امراء و عمال میبایستی مقداری پارچه های زربفت به ایلخانان پیشکشی نمایند و در نتیجه کارخانه های بافت پارچه و قالی در تبریز و گرجستان و مرو و طوس و شوشتر و شیراز و نیشابور و بغداد دایر و روبگسترش رفت و امراء مغول هنگام تسلط بر ایران عده ای از استادان پارچه باف و قالی باف مخصوصاً کسانی را که در بافتن پارچه های زربفت مهارت داشتند بمغولستان و قراقروروم میفرستادند و بطوریکه مینویسند در سال ۶۲۹ هـ. ق مردم تبریز خیمه گرانبهائی از اطلس و سمور و سنجاب درست کرده و باو کتای قاآن هدیه کردند و دسته ای از این هنرمندان را بمغولستان حضور او فرستادند ۱۱۵

عظاملك جوینی که در عراق حکومت داشت ضمن هدایائی که هر سال بدربار ایلخان تقدیم میداشت مقداری هم پارچه زربفت گرانبها بود و در نتیجه کارخانه های پارچه بافی بغداد بواسطه تشویق او شهرت بسیاری بهم رسانده بود و همچنین مینویسند از جمله پیشکشیهای خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی و تاج الدین علی شاه جیلان تبریزی بخدمت غازان خان مقداری پارچه های زرکش و خرگاههای زرین و مرصع و قباهای استبرق بود که تا آن زمان کسی مانند آنها را بچشم ندیده بود.

در زمان کیخاتو و صدرات خواجه صدرالدین خالدهی زنجانی در اثر نایاب شدن سیم و زر لطمه بزرگی به بافت پارچه های زرکش و سیمبفت وارد آمد و خواجه فرمان داد که اینگونه پارچه ها فقط برای ایلخانان و شاهزادگان باید بافته شود. در زمان همین ایلخانان بود که برای نخستین بار در ایران بواسطه کم شدن سیم و زر و خالی بودن خزانه در سال ۶۹۳ هـ. ق چاو «پول کاغذی» تهیه شد و در اثر استمکاف مردم چندی بیشتر نپائید و موقوف گردید.

۱۱۵- کتاب تاریخ مفصل ایران از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری صفحه ۵۵۸

در زمان غازان خان که بار دیگر با کاردانی و کوشش خواجه رشیدالدین فضل‌اله وضع خزانة کشور خوب و عادی شد و دادوستد سیم‌وزر از نو رواج اولیه خود را باز یافت، در کارخانه‌ها نیز مانند پیش به تهیه پارچه‌های گرانبهای زربفت و سیم بافت پرداختند.

ایران در زمان حکومت ایلخانان مرکز مهم داد و ستد بین خاور و باختر گردید و تبریز که پایتخت تابستانی آنها بود بزرگترین بازار و محل این فعالیت گردید. راههای بزرگ تجارتي باین شهر منتهی میشد و از لحاظ اقتصاد و تجارت معتبرترین شهر دنیا بود. اودوریک دوپاردن که در زمان ابوسعیدخان این شهر را دیده است مینویسد: «تبریز از جهت امتعه مهمترین شهر عالم است. این شهر برای ایلخانان ایران از تمام کشور فرانسه جهت پادشاه آن بیشتر اهمیت دارد:»

بنابر نوشته‌های سفرنامه‌ها و تواریخ، کالاها و اجناسی که در این شهر مورد معامله قرار میگرفته عبارت بوده است از: «ادویه مالزی و مروارید و یاقوت سیلان و مالایار و الماس و زمرد هندو شال کشمیر و فرشهای ماوراءالنهر و لعل بدخشان و فیروزه نیشابور و اطلس و پارچه‌های زربفت مرو و طوس و شوستر و موصل و یزد و کرمان و گلاب و عطریات شیراز و اصفهان و اقسام اسلحه منقوره گرجستان و شام بعلاوه هنرمندان تبریزی خود نیز در ساختن پارچه‌های قیمتی و فرشهای عالی و منسوجات ابریشمی مهارت داشتند و مصنوعات دست‌ساز خویش را نیز به‌تجار خارجی میفروخته‌اند»<sup>۱۱۶</sup>

راههای عمده تجارتي بین چین و هند و کشورهای اروپائی در زمان ایلخانان سه راه بود که دو راه عمده آن از شهرهای معروف ایران میگذشته است. یک راه که بزرگتر بود و همچنان برآه ابریشم‌نامیده میشده از توان-

۱۱۶- کتاب تاریخ مفصل ایران تألیف شادروان عباس‌اقبال از حمله چنگیز تا تشکیل

دولت تیموری صفحه ۵۵۸ چاپ تهران سال ۱۳۱۲

هوانگ<sup>۱۱۷</sup> در چین بشهر کان سو<sup>۱۱۸</sup> میآید و از آنجا از ترکستان شرقی بسمرقند و بخارا میرسید و از آنجا قسمت اصلی راه از مرو به گرگانوری میآید و از ری بقزوین و زنجان و تبریز و ایروان میرفته و از ایروان بطرابوزان یا یکی از بنادر شام منتهی میگردد. راه دومی که دریائی بود کالا و مخصوصاً ادویه هندوستان را به بندر هرمز و سپس از راه خشکی بکرمان و از آنجا بگرگان و خوارزم و هشرخان میبرده است و از آنجا به بنادری که ونیزیها و ژنوائیهادر کرانههای دریای سیاه در تصرف گرفته بودند حمل میشده است. پارچههای عصر مغولی دارای رنگهای تند و تیره و گاهی زربفت است، یعنی رشتههای طلا بدو ریسمان پیچیده شده است با طرحهایی از نوع شاخو برگ و گل نیلوفر و نقش جانوران و پرندگان عجیب - در دوره تیموری طرح پارچهها ظریفتر و نازکتر و تصاویر آنها همانند نقشهای میناتور آن عهد بوده است. از این دوره حتی بطور نمونه هم پارچهای در دست نیست. در عصر صفویه فن پارچه بافی و طراحی پیشرفت کلی کرد. پارچه لباس درباریان زربفت بارشتههای طلا و نقره بافته میشد و نقش گلها از ابریشم براق و نرم بوده است.

شاردن سیاح فرانسوی مینویسد: «پارچه بافان ابریشم را بازر و سیم مخلوط کرده منسوجات نفیس میبافند که آنها را زری مینامند. این پارچهها را بانقشهای گوناگون میبافند، بطوریکه میتوان از آنها صد قسم مختلف بدست آورد. پاره ای از آنها یکرو و پاره ای دو رو میباشد یعنی پشت و روی آنها یکسان است. یکنوع پارچه نفیس و خوش نمائی هم میبافند که در نوع خود منحصر بفرد است و آنرا مخمل زربفت مینامند».

«... پارچههایی که در تزئین آنها طلا بکار رفته بسیار گرانبها است ... در تمام دنیا پارچههایی نفیسترو گرانبهاتر از پارچههای زربفت ایرانی پیدا نمیشود..... این پارچههای گرانبهرا ثروتمندان برای پرده درها بکار میبرند

مخمل زربفت از تمام اقسام پارچه‌های زرّی قشنگتر و فرش نما تر است. بخصوص مخملهایی که کرکهای برجسته دارد و بسیار زیباست. چیزی که در این پارچه‌ها قابل ملاحظه می‌باشد اینست که بواسطه کثرت استعمال و مرور زمان اگر پارچه کهنه و فرسوده شود باز هم تارهای طلا یا نقره همان درخشندگی و جلوه اولیه خود را دارد بیشتر این پارچه‌های زرّی نفیس و خوش نما در شهرهای یزد و اصفهان و کاشان بافته میشود....»

از قالیهای زربفت معروف ایران هم نمونه‌هایی در موزه‌های جهان موجود است از آنجمله چند پارچه در موزه ویکتوریا آلبرت لندن وجود دارد یکی از آنها مربوط بدوران صفویه و بانچه‌های سیم و زر بافته شده و نقش پرندگان و گل‌های رنگین روی آنها طراحی شده است. این قالی متعلق به سر جرج-سالتینگ<sup>۱۹</sup> بود که با مقصداری زیاد سلاحهای قدیمی بدان موزه تقدیم شد. اطراف این قالی اشعاری از حافظ از آنجمله این بیت نوشته شده است:

«می‌خواه و گل افشان کن از دهر چه می‌جوئی

این گفت سحر که گل بلبل تو چه می‌گوئی»

نمونه‌هایی از پارچه‌های ابریشمی زربفت و قلابدوزی باشکال حیوانات و درخت و گل مربوط به عصر سامانی و سلجوقی و صفوی در این موزه موجود می‌باشد.

### هنر مخمل بافی

یکی از ابتکارات هنر پارچه بافی عصر صفوی پارچه بافی چند تابی و مخمل بود. پارچه چند تابی، پارچه‌هایی است که در آن دو یا چند پارچه ساده چنان در هم آمیخته و بافته شده باشد که در عین حال هر یک از آنها جدا گانه نمایانده شده و طرح گل و بوته بطور برجسته و روشن جلوه نماید.

شاردن در باره هنر مخمل زربافت این دوره که خود ناظر آن بوده نوشته است: «مخمل زربافی که در ایران تهیه میشود بسیار عالی و کاملاً

پرییج و شکن است. نکته شایان تحسین در این منسوجات نفیس آنستکه باصطلاح پایان ندارد (هرگز کهنه نمیشود) چنانکه زروسیمی که در تاروپود آن بکار رفته مادام که پارچه دوام دارد همچنان برنگ و آب خود را ثابت نگه میدارد و استوار میماند. درست است که نقره بمرور زمان بعد از بیست یاسی سال بکار رفتن تیره میشود ولی از بین نمیروند و بعقیده من در این مورد خوبی هوا بهمان اندازه کمال صنعت دخالت دارد. عالیترین کارخانههای این منسوجات زربفت و سیم بافت و مخمل زرباف در یزد، کاشان و نیز در اصفهان است ۱۲۰

در باره گلدوزی و قلاب دوزی هم متذکر شده است که: «گلدوزی و قلابدوزی یکی از صنایع فنی است که ایرانیان در آن ید طولائی دارند. در تمام انواع و اقسام این فن بویژه در زرددوزی و سیم دوزی خواه بر روی ماهوت. خواه بر روی ابریشم و یابرووی چرم بسیار استادند. در صنعت گلدوزی ایرانیان از ما اروپائیان و حتی ترکان عثمانی که دوخت و دوزو قلابدوزی آنها بر روی چرم در اروپا بسیار شایان توجه میباشد، جلو تر هستند. چنان در دوخت و دوز چرم از جمله آرایش زین و برگ مهارت دارند که در زیبائی و ظرافت به گلدوزی در روی حریر میماند.... رشته های زرین و سیمین که در این صنعت بکار میبرند چنان لطیف و خوب است که بماند تار و پود و متن ابریشمی ابداء مشاهده نمیگردد. ۱۲۱».

بزرگترین و معروفترین استاد سازنده این نوع بافتنی غیاث الدین علی یزدی است یکی از نمونه های برجسته کار این استاد مشهور زمان خود پارچه اطلسی است که تصویر لیلی را که در هودجی روی شتر نشسته و از بیابان میگذرد و مجنون در کنار راه با دران نشسته است مینمایاند. اطراف این مجلس ها به نقش گل و بوته تزئین گردیده است.

۱۲۰- صفحه ۳۵۸ جلد چهارم سیاحتنامه شاردن

۱۲۱- صفحه ۳۳۱ جلد چهارم سیاحتنامه شاردن

عالمترین نوع مخمل این‌زمان بازکار همین استاد است و قطعه‌ای از این مخمل‌ها رقم خود او را هم دارد و عبارت از یکی از مجالس بزم خسرو پرویز باشیرین می‌باشد. مقداری از این بافتنی‌ها متعلق بخانواده «سنگوسکوی» لهستانی موجود است. قطعه دیگری در موزه بوستون است که مجلس شکاری را مینمایاند. در طراحی این پارچه شکارچیان پیاده و سواره باتیر و کمان و خنجر باشیران و پلنگان در نبرد هستند. در گنجینه سلطنتی جیپور هم مخملی هست که کار یکی از شاگردان غیاث‌الدین علی یزدی می‌باشد. مخملهای گرانبهای دیگری در هندوستان بافته‌میشده است و حدس زده‌اند که بافندگان یزدی در این کار گاه‌ها کار میکرده‌اند.

یک قطعه مخمل ایرانی با طرح «گدافی» در برابر مرد جوان عصا بدستی بارنگهای متنوع کارکاشان مربوط بقرن یازدهم هجری متعلق به غنائم موسوم به «غنائم ترکی» در موزه ایالتی شهر «کارنسروده» نگاهداری میشود ۱۲۲

پروفسور ارنست کوهنل خاورشناس شهیر آلمانی در کتاب هنر اسلامی درباره هنر قالی بافی و پارچه بافی عصر صفوی مینویسد: «از نظر تکنیکی به پارچه‌های چند رنگی ابریشمی سبک پارچه‌های زرباف و سیم‌باف سنگین و مخملی برمیخوریم که در یک‌زمان بافته شده است. بویژه مخمل‌ها از نظر ظرافت نقوش و هم آهنگی کامل رنگها بی نظیر است از جامعه های این دوره فقط تعداد کمی باقی مانده است بطور کلی اینگونه پارچه‌های قیمتی را که قسمتی از آنها جزو هدایای شاه‌عباس بزرگ باروپا رسیده، بصورت قطعات بزرگتر یا کوچکتر میتوان در مجموعه های عمومی یا خصوصی مشاهده نمود و استثنائاً یکبار نیز بعنوان پوشش دیوار در قصر روزنبرگ در کپنهاگ از آنها استفاده شده است. تصور میشود که این پارچه‌ها بهمین منظور با طرحهای درشت در کاخهای اصفهان نیز مورد استفاده داشته است.

اطلاعات ما در مورد مراکز تهیه اینگونه پارچه‌ها دقیق نیست. در این

میان اصفهان نقش عمده داشته است و بنظر میرسد که در کارخانه سلطنتی بساختن نوع بخصوصی از اینگونه پارچهها عنایت خاصی میشده است. از کاشان نیز نام برده میشود و یزد در جنوب ایران از نظر صنایع مخمل بافی در قرن هیجدهم میلادی بر همه پیشی داشته است.

علاوه بر این در عصر صفویه صنعت قلابدوزی های ابریشمی بیش از همه در شمال غرب ایران و در مناطق قفقازیه رونقی تازه یافت و لباسهای براق الوان و پتوهائی ساخته شد که مدتها پس از آن هنوز در هنر ملی شکوفائی خود را نشان میداد.

قرن شانزدهم میلادی عصر کلاسیک صنایع فرش بافی ایرانی است چه در آن زمان در کارگاههای دولتی وزیر نظر با استعدادترین هنرمندان از لحاظ ظرافت طرح تمغای رنگ و دقت در یافت با نچنان تکاملی دست یافت که نظیرش را در این صنعت هرگز در هیچ کجای دیگر نمیتوان یافت:» ۱۲۳

### رواج قالی های ایران در اروپا

از دیر زمان ، تهیه و گردآوری قالیهای خوش طرح بافت ایران در کشورهای اروپائی معمول و رایج گردید . در زمان هانری هشتم « دوک بوکینگهام » قراردادی را معوق نگاهداشته بود تا یک قالی که مورد پسندش بود، بچنگ آورد ۱۲۴ و بعضی از نقاشان معروف اروپا مانند « وان ویک » و « روبنس » قالیهای بافت ایران در دسترسشان بوده که از طراحی آنها برای ساختن پردههای نقاشی استفاده میکردند.

« جان سینگر سارجنیت » درباره یک فرش هراتی که اینک در موزه گاردنربوستون است مینویسد : « من امروز فرشی دیدم که از هر پرده نقاشی زیباتر بود » و « سرچارلز هو » درباره قالی شکارگاه که در میلان است نظیر این سخنان را بر زبان رانده است.

۱۲۳ - صفحه ۱۹۰

۱۲۴ - کتاب هنر ایران تألیف پروفیسور یوپ ترجمه آقای دکتر خانلری صفحه ۱۸۷



شادروان پروفیسور کریستی ویلسن ایران شناس عالیقدر معاصر، درباره هنرقالی بافی ایران چنین گفته است: ۱۲۵ شاید بررسی دقیق قالیه‌های اولیه بهترین مقدمه برای آگاهی از صنایع ایران باشد. زیرا این صنعت بیش از تمام صنایع خصائص ویژه و رسوم متنوع قدیمی را در برداشته و مراحل مختلف زندگانی و فرهنگ ایران را نشان می‌دهد. قالیه‌های عالی ایران را شعرا مدح گفته و سیاحان آنرا تمجید و تعریف کرده‌اند. قالیه‌های ایران روح حقیقی صنعت این کشور را مجسم می‌سازد».

در دوره قاجاریه هم که دوران رکود صنعت و ابتکار بود، این هنر توانست تا حدی موقعیت عالی و رقابت ناپذیر خود را در دنیا نگاهدارد. اراک بزرگترین مرکز قالی بافی ایران بود و در سایر شهرهای ایران نیز فرشها و قالیه‌ها و پارچه‌های مخصوص بخود را می‌بافته‌اند که انواع آنرا مشروحاً پروفیسور کریستی ویلسن در کتاب «تاریخ صنایع ایران» ۱۲۶ توضیح داده است و نویسنده دیگر خود را از توضیحات دیگری در این باره بی‌نیاز میدانند و علاقمندان میتوانند بدان کتاب مراجعه نمایند.

این مؤلف و محقق عالی‌مقام بحث خود را درباره این هنر با این عبارت پایان داده است که در حقیقت پایان این مقاله هم میشود: «قالی خوب ایران مانند قطعه شعر زیبایی است که بافنده آن مانند شاعر، جمال طبیعت را ترجمه و بصورت شیئی زیبایی در آورده که هم تشنگ و هم قابل استفاده است».

از بیان این تاریخچه یعنی تحول صنعت بافتگی و قالی بافی ایران چنین نتیجه گرفته میشود که این هنر بنا بر نیازهای مادی و معنوی از هزاران سال پیش در پهنه ایران بوجود آمده و طی قرنهای متمادی تکامل یافته و در هر سده‌ای به نحو دلپذیری نمودار گردیده است.

۱۲۵- تاریخ صنایع ایران تألیف دکتر کریستی ویلسن ترجمه آقای دکتر عبدالله فریاد

صفحه ۱۹۴ چاپ سال ۱۳۱۷ تهران

۱۲۶ - صفحه ۲۱۲ همان کتاب

هوش و سلیقه سرشار ایرانی در طراحی و نقاشی و رنگ آمیزی این پدیده عالی کاملاً نمایان و چون اشعار فارسی پر از لطف و ذوق و کمال است و همانطور که هر شعرشاعری زیبایی و جذبه خاص و جداگانه‌ای دارد هر تکه فرش و پارچه ایرانی نیز زیبایی و درخشانی خاصی دارد که ذوق سلیم و آسمان نیلگون و شفاف و مناظر طبیعی ایران الهام بخش آن بوده است.

قالیهای بافت ایران امروز ارزنده ترین و مشهورترین آثار هنری موزه‌ها و مجموعه‌های جهان است و موزه‌ها و مجموعه داران بداشتن چند نمونه از پارچه‌ها و قالیهای شاهکار ایران بریکدیگر برتری میجویند. در دوران ما نیز این صنعت بعد اعلای نفاست و ظرافت و زیبایی خود رسید و در گسترش و پیشرفت آن مساعی قابل تحسینی مبذول میگردد و شهرت جهانی خود را نگاهداشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی